



جغرافیای تاریخی سرزمین مقدس در عصر صلیبی

به کوشش دکتر عبدالله ناصری طاهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۳

ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹ هـ، گردآورنده
جغرافیای تاریخی سرزمین مقدس در عصر صلیبی / عبدالله ناصری طاهری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.
[۶]، ۸۰۰ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۳۳؛ تاریخ اسلام: ۱۵۱)
بها: ۷۰۰۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-499-9
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتاب به بررسی تاریخی سرزمین مقدس در عصر صلیبی پرداخته است
کتابنامه. همچنین به صورت زیرنویس.
۱. بیت‌المقدس - سیر و سیاحت. ۲. Jerusalem -- Description and travel. ۳. جنگ‌های صلیبی - تاریخ.
۴. Crusades -- History. ۵. بیت‌المقدس - تاریخ. ۶. Jerusalem -- History. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
DS۱۰۹ ۹۵۶/۹۴۴۲
شماره کتابشناسی ملی ۹۵۰۰۹۵۱



جغرافیای تاریخی سرزمین مقدس در عصر صلیبی

به کوشش: دکتر عبدالله ناصری طاهری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۴۹۹-۹

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <https://shop.rihu.ac.ir>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمه‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۳۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ اسلام» و «تاریخ و تمدن اسلامی»، در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تهیه شده و به‌ویژه برای دو درس «جغرافیای تاریخی اسلام» و «تاریخ مصر و شام در دوران اسلامی» سودمند است. پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از دکتر عبدالله ناصری طاهری و همکارانش قدردانی کند.

چهار

فهرست اجمالی مطالب

۱	دیباچه همت.....
۱۹	الاعتبار / أسامة بن منقذ / ترجمه: بهادر قیّم.....
۲۲۷	توصیف سرزمین مقدس / زان (یوحنا) ورزبورگی / ترجمه: عبدالله ناصری طاهری.....
۳۲۳	سفرنامه سایولف / ترجمه: عبدالله ناصری طاهری.....
۳۵۵	توصیف سرزمین مقدس / بوچارد آلمانی / ترجمه: محبوه جودکی.....
۴۴۷	سفرنامه دانیال روسی / ترجمه: ندا گلیجانی مقدم.....
۵۱۵	سرزمین مقدس / تئودریک آلمانی / ترجمه: سمیه سادات طباطبایی.....
۵۷۷	سفرنامه لودلف / ترجمه: عزّت مآلا ابراهیمی.....
۶۷۷	سفرنامه ارنول / ارنول / ترجمه: عزّت مآلا ابراهیمی.....
۷۱۳	سفرنامه بنیامین تودلایی / ترجمه: عبدالله ناصری طاهری.....
۷۶۱	توصیف سرزمین مقدس / فیتیلوس / ترجمه: سوسن فخرایی.....
۸۰۵	منابع.....

دیباچه همت

نقش مسلمانان در توصیف تاریخ و جغرافیای جنگ صلیبی بسیار ضعیف‌تر از مسیحیان است. شاید از علل مهم آن، یکی اهمیت کمتر این حادثه نسبت به دیگر وقایع قرن‌های پنجم و ششم ق/ یازدهم و دوازدهم م و دیگر کم‌توجهی مورخان مسلمان به نگارش موضوعی و بسنده کردن آنها به حوایات و گاه‌شماری باشد.

هرچه باشد، مهم اینکه گزارش‌های تفصیلی جنگ صلیبی و منابع دست اول جنگ بیشتر از ناحیه مورخان و سیاحان مسیحی و صلیبی بوده است و مسلمانان بیشتر لابه‌لای تاریخ‌های عمومی و در قالب حوایات به جنگ صلیبی پرداخته‌اند.

تنها تاریخ اختصاصی مسلمانان درباره جنگ صلیبی را باید کتاب الاعتبار اُسامة بن منقذ دانست که دربردارنده خاطرات و مشاهدات او در روزگار حاکمیت صلیبی‌ها در صفحات شرقی مدیترانه در قرن پنجم ق/ دوازدهم م است.

الاعتبار که اهمیت ویژه‌ای در میان منابع تاریخی و جغرافیای تاریخی جنگ صلیبی دارد، تألیف ابومظفر اُسامة بن منقذ کنانی شیزری (۴۸۸-۵۸۲ ق/ ۱۰۹۵-۱۱۸۸ م) از خاندان آل‌منقذ، فرمانروایان قلعه شیزر^۱ در صفحات میانی شام است. خانواده فرمانروا و سیاسی آل‌منقذ، در زلزله شدید سال ۵۵۲ ق که باعث ویرانی شیزر شد، از میان رفتند. ولی امیر اسامه به علت کناره‌گیری از سیاست و علاقه وافر به سیر و سفر، شیزر را ترک کرد و لذا جان سالم در برد.

۱. پانزده میلی شمال غربی حماة در سوریه.

اُسامه، به شهرهای مختلف درگیر جنگ صلیبی سفر کرد و با کسانی چون عمادالدین زنگی و فرزندش نورالدین و نیز الحافظ لدین‌الله، خلیفه فاطمی همراه شد. و حتی با رهبران جنگ صلیبی مانند بوهوموند و تانکرد ارتباط برقرار کرد. مرادوت او با صلیبی‌ها و اعتماد آنها به اسامه، باعث شد گزارش‌های بی‌نظیری از درون جامعه صلیبی مستقر در شام ارائه دهد. مانند نارسایی‌های اخلاقی و نادانی‌ها و عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی آنها. تصویری که وی از حضیض تمدن غربی در روزگار اوج فرهنگ و تمدن اسلامی می‌دهد خواندنی است. سخن از نقش زنان مسلمان شام در جنگ صلیبی و نیز زنان مسیحی صلیبی و بی‌پروایی‌های اخلاقی آنان، گزارش از تصوف شام در قرن ششم و نقش صوفیان در جنگ از فصل‌های خواندنی این کتاب هستند.

ابوالمظفر مجدالدین اُسامه بن مرشد بن علی من منقذ شیرزی، ادیب، شاعر و جنگاور شامی در دو عصر فاطمی و ایوبی در جمادی‌الثانیه ۴۸۸ ق و در سال آغاز حرکت کاروان جنگی صلیبی‌ها (۱۰۹۵ م) در شیر به دنیا آمد. خاندان بنومنقذ از عصر بنومرداس - حاکمان شمال سوریه در قرن ۵ - بر منطقه شیر حکومت می‌کردند. بیشتر اعتبار خاندان بنومنقذ به حضورشان در صحنه نبرد با صلیبی‌هاست. از جمله اُسامه بن منقذ که به‌رغم منزلت ادبی و سخنوری، در عمر حدود صدساله خود (۴۸۸-۵۴۸ ق)، جنگاوری و شمشیرزنی‌اش و برجای گذاشتن سفرنامه‌ای جامعه‌شناسانه، او را پرآوازه کرده است.

سفرنامه اجتماعی و جامعه‌شناختی الاعتبار مهم‌ترین تألیف اُسامه و یکی از ارزشمندترین منابع و متون برای شناخت تاریخ اجتماعی و فرهنگی شام در روزگار صلیبی‌هاست و تاکنون به زبان‌های انگلیسی، روسی، آلمانی، لهستانی، دانمارکی، و فرانسوی ترجمه و چاپ شده و اینک برگردان فارسی آن پیش روی خوانندگان و محققان است.

رابرت ایروین، مورخ معروف بریتانیایی در مقاله‌ای مفصل، که در آن جنگ‌های صلیبی را از سال ۱۰۹۶ تا ۱۶۹۹ م، بررسی کرده^۱ آورده که خاندان بنومنقذ شیعه بودند.^۲ اشتباه بزرگ این

۱. برگردان عربی این مقاله با عنوان: «المسلمون والحملات الصلیبية ۱۰۹۶-۱۶۹۹م توقع يوم القيامة» در مجموعه ذیل چاپ شده است: تاریخ الحملات الصلیبية، تحریر جانانان رایلی اسمیت، ترجمه قاسم عبده قاسم، قاهره: المركز القومي للترجمة، ۲۰۰۹ م، ج ۲، ص ۶۵-۱۴۲.
۲. همان، ص ۷۵ و ۸۴.

مورخ شاید ناشی از این گزارش اُسامة بن منقذ باشد که در دو نوبت از شفای متولی مسجدی در خارج از شهر انبار در عراق و افلیجی در شهر موصل به دست امام علی (علیه السلام) سخن می‌گوید،^۱ یا شاید ناشی از تحت‌الحمایه بودن آنها (بنومنقذ) در دولت شیعی بنومرداس در حلب باشد، یا به احتمال زیاد، سخن «ابن ابی طی» مورخ شیعی حلب در قرن ششم.^۲ آنچه مسلم است اینکه بنومنقذ از خاندان سنی مذهب حاکم محلی در شامل بوده‌اند و هیچ پیوندی با تشیع نداشته‌اند. همین مورخ بریتانیایی در تبیین و چرایی کاهش کاربرد کلمات مقدسی چون «جهاد» و «مجاهد» در الاعتبار^۳ می‌نویسد: این به علت مناسبات دیپلماتیک اُسامة با صلیبی‌ها و نیز باور شیعه مبنی بر تعلیق جهاد در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام) بوده است.^۴ آنچه مسلم است تنفر عمومی شامیان و از جمله اُسامة بن منقذ، از صلیبی‌ها در قرن پنجم و ششم در تاریخ ثبت است.

۱. اُسامة بن منقذ، الاعتبار (چاپ فیلیپ حتّی)، ص ۲۲۵ و ۲۳۰ و تحقیق دکتر عبدالکریم الاشتهر، دمشق-بیروت-عمان: المکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۷۵ و ۲۸۰.

۲. پل ام. کاب در مقاله‌ای چنین آورده است: یحی بن ابی طیء در تاریخ شیعیان (به اُسامة) اشاره کرده، می‌گوید: «پدرم برایم نقل کرده که من او را چندبار ملاقات کردم، او مسلمانی امامی بود و در اعتقاداتش راسخ، جز آنکه تمایلاتش را پنهان می‌کرد و تقیه پیش گرفته بود. او ثروت زیادی داشت و به شیعیان کمک می‌کرد، با فقرا مهربان بود و با بزرگان سخاوتمند» (ر.ک: Cobb, Paul M., "Crusaders with Usama Ibn Munqidh", Infidel Dogs: Hunting Cursades, vol.6, USA: Sscl, 2007).

۳. اُسامة که ۲۲۵ بار کلمه فرنج یا افرنج (مراد او صلیبی‌هاست) را به کار برده است واژگان «جهاد»، «مجاهد»، «غزوه» و «کفار» را هریک، یک‌بار استفاده کرده است. البته واژه شهید را هم در دو مورد یکی در مرگ برادرش عزالدوله علی و دیگر درباره دمشق فندلاوی از فقیهان شام که در جنگ دوم کشته شد به کار برده است.

۴. ایروین، رابرت، المسلمون والحملات الصلیبیة، ص ۸۴ و همچنین ر.ک: Cobb, Paul M., "Crusaders with Usama Ibn Munqidh", Infidel Dogs: Hunting Cursades, vol.6, USA: Sscl, 2007

البته پل ام. کاب استاد دانشگاه نوتردام، در این مقاله با اشاره به نظر شیخ طوسی، نظر ایروین را رد کرده، می‌گوید: به فرض شیعی بودن اُسامة حفاظت از جغرافیای دارالاسلام در عصر غیبت مجاز است؛ یعنی همان رویکرد غالب فقهای شیعی متقدم مثل شیخ طوسی که تحت تأثیر فقه شافعی و فضای فکری فقهی حاکم بر عراق بوده‌اند. این مسئله را مرحوم استاد صالحی نجف‌آبادی به‌خوبی نقد و بررسی کرده است (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶).

در نگاه اُسامه، صلیبی‌ها بهایم و چارپایانی هستند که فقط از فضیلت جنگاوری برخوردارند: «اگر کسی از امور صلیبی‌ها باخبر شود، خداوند بزرگ را تسبیح و تقدیس می‌کند از اینکه آنها چارپایانی هستند که جز شجاعت و جنگاوری فضیلتی دیگر ندارند، چنان که حیوانات قدرت باربری دارند».^۱ اُسامه در جای دیگر هم می‌نویسد: «ما فیهم فضیلة من فضائل الناس سوى الشجاعة، ولا عندهم تقدمة ولا منزلة عالية الا للفرسان، ولا عندهم ناس الا الفرسان». گفتنی است پل ام. کاب، استاد دانشگاه نوتردام در مقاله‌ای که در سالنامه انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتی به نام "Crusades" نوشته، این نگرش اُسامه را تحت تأثیر مسعودی و مهم‌تر از او «ابن ابی‌الاشعث»، طبیب ایرانی‌الاصل مقیم موصل در قرن چهارم ق/دهم م می‌داند که در کتاب الحیوان خود، ویژگی نژادها را بررسی کرده و مردم شمال از جمله اقوام فرانک را همچون حیوان بی‌خرد می‌داند.^۲

ناآشنایی آنها با علم پزشکی و گرایش طبای صلیبی به خرافات و در عین حال مشاهده خلاف این روند، ویژگی دیگری است که اُسامه از آن یاد می‌کند.

اسامه می‌نویسد: «از جمله کارهای عجیبی که در طبابت انجام می‌دهند آن است که روزی حاکم منیطره^۳ از عمویم درخواست طبیبی نمود که برخی از دوستانش را مداوا کند. عمویم طبیبی نصرانی را که «ثابت» نام داشت، فرستاد. طبیب پس از ده روز بازگشت، به او گفتیم چقدر زود بیماران را مداوا کردی؟ گفت: سربازی را پیش من آوردند که در پایش دملی درآمده و زنی که به نشاف دچار شده بود؛ آن سرباز را با نافه مشک مداوا کردم و آن زن را با گرم کردن. در این حال طبیبی صلیبی سرسید و به آنها گفت: این مرد چیزی از طبابت نمی‌داند. سپس رو به سرباز کرد و گفت: آیا دوست داری با یک پا زندگی کنی یا با دو پا بمیری؟، مرد سرباز پاسخ داد: دوست دارم زنده بمانم ولو با یک پا. مرد صلیبی دستور داد یک سرباز قوی با یک تبر تیز آماده کنند. سپس آن سرباز بیمار را آورد و ساق پایش را بر روی چوب درختی مانند چنار گذاشت و به سرباز گفت با تبر بر روی ساق پایش ضربه‌ای وارد کن تا قطع شود. او هم بنا به

۱. الاعتبار، ص ۱۶۹.

2. Cobb, Paul M., "Infidel Dogs: Hunting Crusaders mith Usama Ibn Munqidh" *Cursades*, vol. 6, USA: Sscle, 2007.

۳. قلعه‌ای صلیبی در سلسله جبال غربی لبنان، نزدیک طرابلس.

دستور طبیب در برابر چشم من ضربه‌ای وارد کرد، ولی پا را قطع نکرد. پس ضربه‌ای دیگر که فایده‌ای نداشت و همین‌طور ضربات را تکرار کرد تا مغز استخوان را شکافت و سرباز بخت برگشته همانجا مُرد. سپس به آن زن بیمار نگاهی کرد و گفت: در وجود این زن شیطانی است عاشق او، باید موهای او را کوتاه کرد. موهایش را کوتاه کردند، سپس به استفاده از خوراک سابق خود یعنی سیر و سرکه پرداخت. بیماری او شدت گرفت. طبیب صلیبی گفت: شیطان در سر او لانه کرده است. و تیغی برداشت و سر او را به صورت صلیب شکافت به‌طوری که استخوان سر پیدا شد. سپس او را به نمک آغشته کرد. زن بیمار همان‌جا جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. در این لحظه من به آنها گفتم: چیزی نیاز ندارید؟ گفتند: نه. آنها را ترک گفتم در حالی که از طبابت چیزی آموختم که قبل از آن نمی‌دانستم[!].»

«و دیگر از عجایب طبشان آنکه نزد ما در شیزر کارگری بود، ابوالفتح نام، که در گردن پسرش غده سخن چرکین درآمده بود و هر موضع از این زخم بسته می‌شد، موضع دیگر زخم باز می‌شد، تا اینکه در یکی از سفرهای شغلی خود که همراه پسرش بود، وارد انطاکیه شد. مردی صلیبی او را دید و از پسری که همراه او بود پرسید. ابوالفتح گفت: این پسر، فرزند من است. مرد صلیبی گفت: به دین خود سوگند یاد می‌کنی که اگر دوایی برای شفای زخم‌های فرزندت به تو معرفی کنم، اجرت معرفی آن دوا را از هیچ‌کس نگیری و رایگان به بیماران تجویز کنی؟

ابوالفتح قسم خورد. او هم گفت: «گیاه اثنان (گونه‌ای قارچ سفید خوشبو که بر تنه درخت بلوط و صنوبر شکل می‌گیرد و می‌پیچد) را می‌سوزانی و در روغن زیتون و سرکه تند مرطوب می‌کنی و در موضع درد به کار می‌گیری تا آنجا خورده شود. پس از آن با خیساندن سرب سوخته در روغن، درد را با آن مداوا می‌کنی تا بهبود پیدا کند». سپس فرزندم را با آن دوا معالجه نمود و آن زخم به‌طور کامل بهبود یافت و سلامتی گذشته خود را به دست آورد. من نیز تعداد زیادی از بیماران را به وسیله این دوا، درمان کردم، به‌گونه‌ای که مفید واقع شد».^۱

در این تصویر دوگانگی رفتار علمی صلیبی‌ها را شاهد هستیم، طبیبی که بیماری را تشخیص می‌دهد و مریض را مداوا می‌کند و پزشکی که ناتوان در تشخیص، یا تحت تأثیر آموزه‌های قرون وسطای معتقد به خرافات، بیماران را می‌کشد تا بیشتر عذاب نکشند.

۱. أَسَامَةُ بن منقذ، الاعتبار (چاپ فیلیپ حتّی)، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

اسامة بن منقذ؛ نظام قضایی و دادرسی صلیبی‌ها را می‌ستاید و می‌نویسد: «و هم اصحاب الرأی و هم اصحاب القضا والحکم».^۱

باز هم اسامه، تصویر متناقضی دیگر ارائه می‌دهد و در جای دیگر می‌نویسد: «روزی در نابلس دیدم که دو نفر را برای مبارزه حاضر کردند. دلیل آن هم این بود که راهزنانی از مسلمانان بر دهکده‌ای از دهکده‌های نابلس دستبرد زدند. در این میان شخصی از کشاورزان را متهم کردند و گفتند: «او دزدان را راهنمایی کرده و گریخته است. حاکم هم فرزندان او را دستگیر کرد تا کشاورز بازگشت و گفت: «در حق من انصاف کن و اجازه بده با کسی که مرا متهم به راهنمایی دزدان کرد، مبارزه کنم». پادشاه هم به اقطاع‌دار آن روستا گفت: «کسی را برای مبارزه حاضر کن». او هم به مردی آهنگر امر کرد به مبارزه حاضر شود. در این هنگام ویسکونت که درواقع پاسبان و شحنة شهر بود آمد و هرکدام از آنها را سپر و چوب داد و مردم را به صورت حلقه‌ای دور آنها منظم کرد. آن دو رودرو قرار گرفته، مبارزه را آغاز کردند. آن دو درگیر شده تا به صورت ستونی از خون درآمدند. این درگیری به طول انجامید. آهنگر با چکش شروع به زدن آن پیرمرد کرد تا اینکه از هوش رفت و آهنگر با ضربه‌ای او را بر زمین زد. به طوری که نیزه او زیر کمر او قرار گرفت. آهنگر بعد از آن انگشتان خود را در چشمان آن پیرمرد فروبرد و از شدت خونریزی نتوانست چشم او را بیرون بکشد. سپس با چوب ضربه‌ای به سر او وارد کرده و او را هلاک ساخت. در آن حال طنابی را به گردنش آویزان کرده و او را کشان کشان بر روی زمین کشاندند و سپس بر دار کردند. صاحب آهنگر هم جامه آهنگر را به وی داد و او را پشت سر خود سوار کرده و از آنجا رفتند و این نوعی از انواع فقاقت و قضاوت آنهاست».^۲

بی‌غیرتی ویژگی دیگر جامعه صلیبی شرق مدیترانه است که مورد توجه اسامة بن منقذ قرار گرفته. وی می‌نویسد: «هیچ غیرتی در آنها نیست مردانشان وقتی با زنان خود بیرون می‌روند اگر مرد دیگری بخواهد با همسر آنها خلوت کند اجازه می‌دهند و به کناری منتظر می‌مانند و اگر صحبتشان به طول انجامد، مرد، همسر خود را با مرد اجنبی تنها گذاشته و دنبال کار خود می‌رود».^۳

۱. همان، ص ۸۳ و ۸۴.

۲. همان، ص ۱۷۷-۱۷۹.

۳. همان، ص ۷۴-۷۵.

از سوی دیگر در گزارشنامه اسامه، همین صلیبی‌ها انسان‌های متعصبی هستند که اسامه یک‌بار در مسجد الاقصی رو به قبله به نماز ایستاد، یک صلیبی صورتش را به سمت شرق برگرداند و به او گفت: این چنین نماز بخوان. اسامه می‌گوید: دوستان صلیبی او که از سواران معبد بودند آن مزاحم متعصب را دور کردند. ولی او دوباره برگشت و مزاحم اسامه شد. ابن‌منقذ می‌نویسد: بالأخره از خیر نماز گذشتم.^۱

اما به این نکته باید توجه کرد که اسامه به خصلت‌ها و ویژگی‌های مطلوب و مثبت صلیبی‌ها هم توجه دارد. آنجا که از مروت و مردانگی یک مکاری اجاره‌دهنده چهارپا به نام یونان سخن می‌گوید و گزارش می‌دهد که «وقتی غلامش از یونان قاطری کرایه کرد و در مسیر به سمت شیزر راه افتاد، مورد تعدی راهزنانی ظاهراً فرنگی قرار گرفت. اما یونان خود را به او رساند و غلام اسامه و دیگر مسلمانان را در پناه خود گرفت. و به این ترتیب راهزنان را از کاروان مسلمانان دور کرد».^۲ طبق گزارش اسامه، کنیزان صلیبی وقتی به اسارت مسلمانان درمی‌آمدند و به مرتبه والایی می‌رسیدند، ترجیح می‌دادند از فرصت و مقام برجسته همسری یک حاکم مسلمان گذشته دوباره به نزد هم‌کیشان خود برگردند. اسامه از این رفتار تعجب می‌کند.^۳

شگفتی دیگر اسامه از صلیبی‌ها، این است که یکی از آنها که پس از اسارت، مسلمان شده بود و همسری مسلمان برگزیده و صاحب دو پسر مبادی آداب اسلامی شده بود، پس از مدت زمان زیادی رهسپار اقامیه شده و دوباره به کیش مسیحیت درآمد.^۴

تصویر زن صلیبی مقیم شام، فصل مهمی از جامعه شناسی اسامه است. در کنار ویژگی پیش‌گفته، یعنی، اباحی‌گری زن مسیحی صلیبی و بی‌غیرتی او، ویژگی‌های دیگر زنان صلیبی هم از چشم او دور نمانده است. از جمله جسارت و شهادت او،^۵ تعصب و دلبستگی به مسیحیت^۶ و سرسختی زنان و پیرزنان در مسابقات.^۷

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۰۲.

۳. أسامة بن منقذ، الاعتبار (چاپ فیلیپ حتی)، ص ۱۶۶.

۴. همان، ص ۱۶۷.

۵. همان، ص ۱۶۵.

۶. همان، ص ۱۶۶.

۷. همان، ص ۱۷۷.

در گزارش دیگر اُسامه از یک صلیبی مقیم انطاکیه می‌گوید که در میزبانی دوست مسلمانش که میهمان مسلمان از خوردن پرهیز داشت به وی تأکید می‌کند که طعامی پاکیزه و طاهر برای میهمان مسلمانش تهیه کرده و خود نیز هرگز گوشت خوک نمی‌خورد.^۱ توصیف شوالیه‌های صلیبی از بخش‌های مهم گزارشنامه و سفرنامه الاعتبار و از چشم اُسامه دور نمانده است. در تعبیر اُسامه همه چیز صلیبی‌ها جنگاوری و شوالیه‌گری است و در این زمینه دست بالایی دارند.^۲

توصیف حیوانات، از بخش‌های خواندنی کتاب الاعتبار است. دقت او به ویژگی حیوانات به‌ویژه در درون جامعه صلیبی نکته مهمی است. اُسامه در مورد شیر، این حیوان درنده که به سلطان جنگل معروف است و خود از او به «سرور حیوانات» تعبیر می‌کند،^۳ می‌نویسد: شیرها مانند انسان به دو گروه ترسو و شجاع تقسیم می‌شوند - فیها الشجاع و فیها الجبان^۴ - او به چشم خود دیده است شیری را که از دست گوسفندی می‌گریزد و نیز سگی را که موفق شده صاحب خود را از دهان شیر برگرد.^۵ همچنین مردی که شیری را هلاک می‌کند، ولی به علت بی‌احتیاطی، خود با نیش عقرب به هلاکت می‌رسد.^۶

ابن منقذ معتقد است جنگ با پلنگ در مقایسه با شیر سخت‌تر است.^۷ در عین حال، زخم همین پلنگ در صورت برخورد با ادرار موش موجب نابودی فرد زخم‌خورده می‌شود.^۸ لذا صلیبی‌ها تدبیر می‌اندیشیدند. اُسامه می‌گوید: وقتی انسانی از سوی پلنگ مجروح شد، موش‌ها تلاش می‌کنند خود را به آن شخص برسانند و هیچ‌گاه از او باز نخواهند گشت. پس برای آنکه شخص خود را از ادرار موش دور نگاه دارد، برایش تختی در آب درست می‌کنند و در اطرافش چندین گربه به بند می‌کشند تا مبادا موش به او نزدیک شود.^۹

۱. همان، ص ۱۸۰.

۲. همان، ص ۸۴، ۸۷، ۱۶۹ و

۳. همان، ص ۱۳۸.

۴. همان، ص ۱۶۳.

۵. همان، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۶. همان، ص ۱۳۹.

۷. همان، ص ۱۴۱.

۸. همان، ص ۱۴۲.

۹. همان.

او سخن از تفاوت پلنگ و یوزپلنگ می‌گوید.^۱ نحوه شکار بازها، تقسیم کار آنها به هنگام شکار و ویژگی بازها قابل توجه است.^۲

جهانگرد شیرزی از تفاوت اسب‌های عربی و اسب‌های تاتاری سخن می‌گوید و معتقد است اسب تاتاری همان اسب وحشی است.^۳ او همچنین از پرندای ناشناخته به نام «عیمه» سخن می‌گوید.^۴ پرندای که باز شکاری از آن هراس دارد و در اینجا به سخن ابوالعلاء معری درباره عنقاء (سیمرغ) استناد می‌کند و عیمه را مصداق این سخن می‌داند: «اری العنقاء تکبران تصادا».^۵

آنچه را اُسامه از مشاهدات و خاطرات خود در مورد جامعه انسانی صلیبی ساکن شام و معیشت آنها می‌نویسد، و نام الاعتبار بر آن می‌نهد که خود پیامی تاریخی و جامعه‌شناسانه دارد، تصویری واقع‌بینانه بیشتر از زندگی اجتماعی صلیبی‌های مقیم شام است. او نویسنده‌ای واقع‌گراست که با روش «مشاهده و معاینه» رفتار فردی و اجتماعی صلیبی‌ها را تصویر می‌کند. چه سببیت و ددمنشی آنان را، چه بدقولی و نامردی، چه کارهای تفنن‌آمیز سبک و پوچ مثل مسابقات دو و میدانی پیرزنان فرتوت، چه بی‌اخلاقی و بی‌غیرتی صلیبی‌ها و چه کم‌خردی و بی‌دانشی آنها را. اما اگر نقطه مقابل این کثی‌ها و نارسایی‌های اجتماعی، نکته مثبت و بارزشی هم ببیند فرونمی‌گذارد. در کنار پزشکی جهل‌آلود و خرافه‌محور، موارد عاقلانه را هم توضیح می‌دهد و اگر مروت و انصافی هم دیده باشد از کنار آن نمی‌گذرد. این واقع‌گرایی اُسامه بن منقذ اهمیت ویژه‌ای به کتاب الاعتبار بخشیده و بدون تردید آن را از منابع مهم تاریخ اجتماعی و فرهنگی دوران صلیبی‌ها کرده است.

سفرنامه‌هایی که از سوی زائران یا دیگر صلیبی‌ها در فاصله دو قرن جنگ صلیبی نوشته شده‌اند از منابع فهم تاریخی و جغرافیای تاریخی جنگ‌های صلیبی هستند. جهانگرد آلمانی ژان (یوحنا) ورزبورگی با تدوین سفرنامه خود یکی از مهم‌ترین منابع و متون جغرافیای تاریخی فلسطین در قرن دوازدهم میلادی و طبعاً جنگ صلیبی را بر جای

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۵۶-۲۸۸.

۳. همان، ص ۲۷۴.

۴. همان، ص ۲۸۷.

۵. همان، ص ۲۷۹.

گذاشته است. وی در مورد جنگ دوم صلیبی مطالب مهمی دارد. این جهانگرد آلمانی، از اسقفان برجسته کلیسایی در شهر ورزبورگ آلمان بود. وی در فاصله سال‌های ۱۱۶۰ تا ۱۱۷۰م، به صفحات شرقی دریای مدیترانه سفر نمود و سفرنامه‌ای حاوی توصیف کامل مشاهدات خود در این دوره ده‌ساله را به نگارش درآورد. بدون تردید، حضور ژان ورزبورگی در سرزمین مقدس همزمان با اوج قدرت صلیبی‌ها و تثبیت حکومت فرنگیان در این منطقه بوده است. سفرنامه او افزون بر توصیف کامل، دقیق و مفصل جغرافیای تاریخی سرزمین مقدس و پیرامون آن، به دلیل پرداختن به مباحث ذیل ممتاز است:

– از بارزترین فصل‌های سفرنامه او توصیف همه‌جانبه شهر مورد مناقشه تاریخی میان مسلمانان و مسیحیان، یعنی بیت‌المقدس در روزگار حاکمیت صلیبی‌ها بر آن است. وی بخش اعظم اثر خود را با توجه به اهمیت بیت‌المقدس در این زمان، به وصف آن شهر اختصاص داده است؛

– اطلاعات او در مورد جنگ دوم صلیبی و پیامدهای آن در بیت‌المقدس، شهرک‌ها و روستاهای تاریخی و سرزمین مقدس، کلیساها و دیرهای آن نیز قابل توجه است. درواقع، او از کلیساها و دیرهایی که در طول حکومت فرنگیان (لاتین‌ها) و به دست صلیبی‌ها در سرزمین مقدس و شام ساخته شده و نیز از نحوه برگزاری مراسم عبادی مذهبی و اعیاد مسیحی در آنها، به‌ویژه در کلیسای قیامت گزارش می‌دهد؛

– توصیف بناهای صلیبی‌ها، نظیر برخی کلیساها و بیمارستان‌ها و خدمات درمانی و آموزش فنون نظامی؛

– توصیف تزئینات (هنرها و نقش و نگارها) و نقاشی‌ها و بیان معماری درونی و بیرونی این زیارتگاه‌ها و مکان‌های مقدس، فرقه‌های نظامی معروف صلیبی؛

– ژان ورزبورگی که به منظور انجام سفر حج به سرزمین قدس سفر کرده، یک زائر متعصب آلمانی است که به برتری نژاد ژرمن نیز اصرار دارد. به علاوه ژان ورزبورگی به معرفی اقوام اروپایی شرکت‌کننده در نخستین نبرد صلیبی می‌پردازد و سهم آلمان‌ها را در این جنگ‌ها و در زمان سفرش به این سرزمین خاطرنشان می‌نماید.

سفرنامه سایولف: این سفرنامه در آغاز برپایی دولت صلیبی در سرزمین مقدس و اشغال بیت‌المقدس تدوین شده است. این گردشگر در آغاز سفرنامه خود می‌گوید در ماه اکتبر سال

۱۱۰۲م، یعنی تنها پس از سه سال و هشت ماه از برپایی دولت فرنگیان در فلسطین، وارد یافا شد.

او در سفرنامه خود به فعالیت ناوگان دریایی فاطمیان در آب‌های دریای مدیترانه و نبردهای دریایی فاطمیان و فرنگیان اشاره می‌کند. تلاش فراوان و دقت زیاد سایولف در وصف بیت المقدس، کلیساها، صومعه‌ها، دروازه‌ها، دشت و دژه‌ها، کوهستان‌ها، گذرگاه‌ها و منابع تأمین آب آن شهر از دیگر نکات مهم سفرنامه اوست.

یادآوری می‌شود که گردشگر در وصف مشاهدات و تدوین سفرنامه خود چندان دقیق نبوده و در خصوص واقعه کشته شدن یوحنا ی معمدانی (حضرت یحیی علیه السلام) دچار اشتباه شده است؛ چون به گفته وی آن حضرت در شهر نابلس به قتل رسید و سرش در همان جا از تن جدا شد؛ که این سخن با واقعیت‌های تاریخی موجود مطابقت ندارد؛ چون سر آن پیامبر در شهر مکاور و در منطقه مأدبا از تن جدا گشت و در مکان دیگری به خاک سپرده شد.

از روایتی که سایولف در شرح ویران شدن شهر ناصره به آن استناد کرده این گونه برمی‌آید که اطلاعات او درباره مسلمانان اندک و ناصحیح بوده و در سفرنامه خود گفته که مسلمانان، شهر بیت لحم را همچون دیگر شهرهای مقدس با خاک یکسان کردند. که این سخنان عاری از حقیقت است.

باید به این نکته اشاره کرد که مطالعه سفرنامه سایولف از آن جهت که شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن زمان فلسطین را بازگو می‌کند، از اهمیت زیادی برخوردار است. همان گونه که این جهانگرد انگلیسی‌الاصل اشاره دارد، سفر خود را در سیزدهم ژوئیه ۱۱۰۲م، از جنوب ایتالیا شروع کرده است. تصویر سیاسی اجتماعی از حوادث سال‌های نخستین سرزمین مقدس از نکات مهم این سفر است.

هرچند معلوم نیست که آیا سایولف یک روحانی کلیسایی است یا نه، اما تعصب مذهبی او نسبت به اسلام و مسلمین در اوراق سفرنامه، احتمال وابستگی به کلیسا یا آموزه‌های متعصبانه آن را رد نمی‌کند. برگردان متن اصلی این سفرنامه، از ترجمه عربی آن صورت گرفته است که به دست دکتر سعید عبدالله البیضاوی استاد تاریخ دانشکده علوم تربیتی رام الله، از انگلیسی برگردان شده بود.

بوچارد یا بوکارد، راهبی است از شهر دومینیکن استراسبورگ فرانسه که در نیمه نخست قرن ۱۳م به مشرق‌زمین مسافرت کرده و مصر، شام و ارمنستان یا همان سرزمین قدیمی کلیکیه را زیارت کرده است. آغاز سفر او در سال ۱۲۳۰ق/۱۲۳۲م بوده است. اقامت ده‌ساله او در دیری در بیت‌المقدس به نام «دیر جبل صهیون» او را به بوچارد جبل صیهون معروف کرده است. نام اصلی کتاب وی توصیف سرزمین مقدس بوده ولی بیشتر به سفرنامه بوچارد معروف است. توصیف شیوای جغرافیای تاریخی سرزمین مقدس، آداب و رسوم مسلمانان و مسیحیان این منطقه، کوچ‌نشینی ترکمانان و بادیه‌نشینان شام و نیز، وصف آسیاب‌هایی که صلیبی‌ها در آغاز حکومت لاتینی خود در فلسطین ساختند و عدم تعصب او نسبت به همه فرقه‌های مسیحی از خصوصیات بارز قلم اوست؛ هرچند دو تاریخ ویلیام صوری و تاریخ یعقوب ویتری، از منابع عمده بوچارد به شمار می‌آیند.

بوچارد پس از سال‌ها اقامت در فلسطین به اروپا بازگشته و سال مرگ او هم به‌درستی شناخته نیست. آنچه اهمیت دارد شهرت او در بین جهانگردان مسیحی و سفرنامه‌نویسان متقدم در روزگار جنگ‌های صلیبی است. این نکته نیز از نظر دور نماند که مورخ مسیحی دیگری به همین نام در آغاز قرن ۱۴م، هست به نام "Burcard" که تاریخی به نام Philippum Regam Directorium ad «راهنمای فیلیپ ششم» (پادشاه فرانسه) تدوین کرده که متضمن ضرورت تشکیل جنگ صلیبی جدید علیه ممالیک مصر است که البته این پیشنهاد چندان با استقبال فرانسه مواجه نشد و نباید او را با بوچارد راهب این سفرنامه یکی گرفت.

سفر زائران روسی به سرزمین مقدس (فلسطین) از اواخر قرن ۱۵ق/۱۰م آغاز شد. اولین سفرنامه روسی سرزمین مقدس، سفرنامه دانیال راهب، رئیس دیر روسیه است که در فاصله ۱۱۰۶-۱۱۰۷م، از فلسطین دیدن کرده است. دانیال که در نهم سپتامبر ۱۱۲۲م، در گذشته است، معاصر نسطور، از قدیمی‌ترین مورخان روس بود که نوشته‌هایش یکی از مهم‌ترین اسناد روسیه در ابتدای قرن ۱۲م به شمار می‌رفت. گستردگی روایات دانیال به جهت تمایز آن در نقل جزئیات پس از گذشت سال‌های کمی از جنگ‌های صلیبی، همچنین صداقت در بیان، اهمیت و ارزش بالای آن را می‌نمایاند. دانیال مناطق بسیاری در فلسطین و غرب نهر اردن را و بیشتر اماکنی که مسیحیان بدانها پناه می‌بردند، اماکن مقدس و دیرها را زیارت کرد. در همه‌جا بهترین راهنماها را برای خود برمی‌گزید و توصیف دقیقی از مشاهداتش می‌نوشت.

هنگامی که قادر به زیارت مکانی نبوده، آشکارا اعتراف می‌کند که بر افراد دیگری که معلوماتی از آن مکان در اختیارش قرار داده‌اند، اعتماد می‌کرده است. دانیال روسی در مورد زندگی افراد غیربومی در شهرها و خطرهایی که در جاده‌ها در سال‌های اولیه استقرار کشور لاتینی بیت المقدس، برای مسافران وجود داشت، توضیحاتی می‌دهد.

دانیال آغاز سفر خویش را قسطنطنیه قرار داد. سفر دریایی اش را به سوی یافا آغاز و در راهش، شهر افسوس، جزیره قبرس و بسیاری از اماکن دیگر را زیارت نمود. او سفری پر حادثه داشت. نگاه جغرافیایی تاریخی او به منطقه باعث شده تا اطلاعات خوبی درباره کشاورزی و آبیاری منطقه فلسطین و نیز دامپروری آنجا در اختیار خواننده قرار دهد. این سفرنامه از منابع مهم حیات اقتصادی سرزمین مقدس در عصر صلیبی‌هاست. اصل این کتاب به زبان اسلاو باستان بوده و خانم دوخیترو آن را به فرانسه ترجمه کرده است. برگردان فارسی کتاب از ترجمه دقیق عربی و حاصل کار مشترک دکتر بیشاوی و داوود ابوهده صورت گرفته است.

راهب تئودریک نیز یکی دیگر از جهانگردان آلمانی است که همزمان با جنگ‌های صلیبی در فاصله سال‌های ۱۱۷۱ تا ۱۱۷۳م، و در زمان حکومت آموری اول در بیت المقدس به سرزمین مقدس سفر نموده و حاصل مشاهداتش را در قالب سفرنامه به نگارش درآورده است. وی از اسقفان ورزبورگ آلمان بوده و در زمان حکومت امپراتوری آلمان فردریک دوم در سال ۱۲۲۴ یا ۱۲۲۵م، وفات یافته است. از جمله امتیازهای سفرنامه تئودریک عبارت‌اند از:

توصیف جغرافیای سرزمین مقدس و توپوگرافی شهرها و روستاهای آن و موقعیت بیت المقدس و اطلاعات قابل ملاحظه‌ای از تاریخ، سیاست و اقتصاد آن؛

توصیف همه‌جانبه اماکن زیارتی، مزارها، معابد و قربانگاه‌های متعدد سرزمین مقدس، معرفی و وصف ضریح مقدس مسیح (علیه السلام) و ویژگی‌های معماری داخلی و خارجی آن، هندسه ساختمان‌ها، اجزای بنا، نحوه استقرار و چگونگی ورود و خروج زائران، نحوه برگزاری مراسم عبادی و آیین‌های مذهبی خاص هر بنای مقدس توسط زائران.

درواقع، تئودریک ضمن توصیف وقایع تاریخی سرزمین قدس، به بیان تاریخ بنای معابد، صومعه‌ها و دیرهای مختلف آن، سازندگان آن بناها و معرفی قدیسان و قدیسه‌هایی که در هر زیارتگاه دفن شده‌اند از زمان حضرت سلیمان تا حضرت عیسی (علیه السلام) و نیز نحوه ویرانی و آبادانی آن بناها در طول آن زمان می‌پردازد.

اطلاعات جامع او درباره فعالیت دو گروه نظامی سواران معبد و سواران مهمان‌نواز، در سرزمین مقدس و اقدامات آنها از جمله ساخت بیمارستان قدیس یوحنا در بیت المقدس و خدمات درمانی و علاج بیماران و خدمات مالی و انفاق به فقرا قابل توجه است. تئودریک از روابط این دو فرقه نظامی صلیبی با ساکنان محلی بیت المقدس، به‌ویژه از همزیستی مسالمت‌آمیز آنان با مسلمانان گزارش می‌دهد؛

اطلاعات او از وضعیت مسلمانان تحت سیطره حکومت صلیبی‌ها و از جمله کشاورزی و زراعت آنها به نفع صلیبی‌ها، توصیف بازارهای موسمی (فصلی) در مملکت صلیبی بیت المقدس و شیوه معیشت و اقتصاد این منطقه و نحوه تجارت و بازرگانی و معرفی کالاها و محصولات آن، ویژگی دیگر سفرنامه اوست.

سفرنامه دیگر از لودلف کشیش کلیسای سوخم یا سودهیم در اسقف‌نشین پادربورن آلمان. وی که زندگی چندان شناخته‌شده‌ای ندارد، در سال ۱۳۴۱م، به مصر و شام رفته و مشاهدات خود را در کتابی به نام توصیف سرزمین مقدس به نگارش درآورده است. این کتاب یا سفرنامه، نه، سال پس از آغاز سفر، یعنی در سال ۱۳۵۰م، و بیش از نیم‌قرن پس از سقوط عکا آخرین سنگر صلیبی به دست ممالیک تدوین شده و متضمن جغرافیای تاریخی و طبیعی مصر و شام، تصویری خواندنی از سیسیل و دیگر جزایر مدیترانه و گزارش‌هایی درباره درگیری و منازعه صلیبی‌های مقیم شرق با یکدیگر بر سر منافع بازرگانی و تأثیر این منازعات بر اقتصاد و تجارت جمهوری‌های سه‌گانه ایتالیا است. او اساساً عامل اصلی سقوط عکا در سال ۱۲۹۱م، را شهرهای تجاری ایتالیا می‌داند؛ زیرا معتقد است آنها فقط به منافع خود فکر می‌کردند، نه مصالح مملکت صلیبی بیت المقدس و عکا. البته اشتباه‌های تاریخی چندانی هم دارد که بیشتر از شنیده‌های اوست، مانند حکایت همکاری دولت ارمنستان با مغولان در سقوط بغداد، یا غلط‌نگاری‌های او در مورد نام پیشین شهر بندری دمیاط در مصر. نویسنده در کتاب از شخصی به نام بالدوین ون استینفورت که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۱، اسقف پادربورن بوده سخن می‌گوید و تأکید می‌کند این کتاب را به احترام او که در این سفر همراهش بوده نوشته است.

سفرنامه ارنول محصول مشاهدات او در نیمه اول قرن ۱۳م و پس از آزادسازی بیت المقدس به دست صلاح‌الدین ایوبی است. آن‌طور که او در آغاز سفرنامه اشاره کرده، این کتاب را بنا به توصیه و علاقه گروهی گروهی از مسیحیان مشتاق آشنایی با بیت المقدس و اماکن مقدس

اطراف آن در روزگار حاکمیت دوباره مسلمانان نگاشته است. این سفرنامه مشابه سفرنامه‌های دیگر مسیحیان و صلیبیانی است که عموماً از نیمه دوم قرن ۱۲ تا پایان قرن سیزدهم میلادی به سرزمین مقدس سفر کرده‌اند. اما ارنول نویسنده این سفرنامه، ظاهراً همان ارنول معروف است که بیشتر به اعتبار ذیل و تتمه‌ای که بر تاریخ ویلیام صوری نوشته، مشهور است. همان ملازم و مباشر بالیان ابلینی و ناظر و شاهد جنگ حطین.

بنیامین ابن یونه تطیلی اندلسی جهانگرد یهودی اندلسی در سال ۵۶۱ق/۱۱۶۵م، در تطیله یا تودلا در ایالت ناوار اندلس دیده به جهان گشود. پدرس یوناه (یونه) یک روحانی یهودی یا همان رابی بود.

ظلم و ستمی که در قرن دوازدهم میلادی بر یهودیان اسپانیا اعمال می‌شد، رهبران بزرگ یهودی این سرزمین را بر آن داشت که به مهاجرت یهودیان بیندیشند. از این رو، به دلیل احساس ضرورت مهاجرت یهودی‌ها در میان آنها تصمیم بر آن شد که رابی بنیامین تطیلی را به منظور شناسایی مناطق مختلف یهودی‌نشین و بررسی وضعیت یهودیان مناطق دیگر در اروپا و آسیا و شمال آفریقا بفرستند و از طریق مطالعات و یافته‌های او در این سرزمین‌ها محلی را برای مهاجرت بدان بیابند.

این اثر که یگانه منبع مرتبط با جنگ دوم صلیبی و به زبان عبری است، یکی از اسناد و نوشته‌های کم‌نظیر تاریخی دربارهٔ پراکندگی قوم یهود (بنی اسرائیل) و موقعیت و وضعیت آنها و تاریخ آنها، روابطشان با دیگر اقوام و ادیان و نژادها و تعداد خانوارهای یهودی در شهرها و روستاهای مناطق مختلف جهان آن روزگار، نظیر اسپانیا، ایتالیا، سیسیل، پالرمو، یونان، فرانسه، آلمان، چک، امپراتوری ییزانس (همزمان با امپراتور مانوئل کومنین اول)، غرب روسیه، ارمنستان، بین‌النهرین، آسیای صغیر، چین، تبت، هند، عربستان، یمن، تونس، مصر و به‌ویژه سرزمین مقدس و شام است. این سفرنامه که حاصل مشاهدات او در سفرها و روایات شفاهی و شنیده‌ها و مکتوبات دیگران – دربارهٔ نقاطی که او موفق به سفر به آنها نشده بود – است مشتمل بر بیان اطلاعاتی مختصر و مفید دربارهٔ کنیسه‌ها و زیارتگاه‌ها و معابد یهودیان در آنها، مقابر پیامبران بنی اسرائیل و رابی‌های معروف، وضعیت دینی یهودیان و تبعیت آنها از ریاست یهودیان در بغداد، زبان و فرهنگ آنها در مناطق مختلف، وضعیت معیشتی و اقتصادی و مشاغل و حرفه‌های یهودیان، روابط و برخورد متقابل یهودیان با اقوام و ادیان و نژادهای دیگر و فرقه‌های

مختلف یهودی در مناطق مختلف و نحوه انجام مراسم دینی و برگزاری جشن‌های یهودیان، معرفی سرکردگان و عالمان مذهبی یهودی و عملکرد آنها در مجامع و مؤسسات یهودیان و... است. افزون بر این، روابط یهودیان این مناطق با یکدیگر به منظور اتحاد و همبستگی و همدردی با هم‌کیشان خود در مناطق مختلف را خاطر نشان می‌کند.

بنیامین تودلایی اطلاعات محلی قابل توجهی از شهرها و روستاهای متعددی ارائه می‌دهد و به تبیین و توصیف موقعیت جغرافیایی و دوری و نزدیکی برخی شهرها و روستاها به دریا، آب و هوا و شرایط اقلیمی آنها، تاریخ آن شهرها، ادیان و اقوام مختلف آن (مسیحیان، مسلمانان، شیعیان و سنی‌ها و...)، معرفی مساجد مسلمانان و کلیساهای مسیحیان، مراسم و جشن‌ها، حوادث طبیعی، در آنها، بناهای آنها نظیر بیمارستان‌ها، پل‌ها، مدرسه‌ها، بازارها، مهمانخانه‌ها، اماکن مذهبی، عادات این مناطق و داستان‌ها و افسانه‌ها و فرهنگ مردم آنها و برخوردش با افراد برجسته و معرفی شخصیت‌های تاریخی این مناطق می‌پردازد.

وصف او از احوال و تعداد یهودیان شهرها، و روستاهای شام و سرزمین مقدس همزمان با جنگ‌های صلیبی و روابط آنان با مسلمانان و صلیبی‌ها. اطلاعات قابل ملاحظه‌ای پیرامون نقش یهودیان در نشاط و پویایی اقتصادی بیت المقدس و شام، روابط فرقه‌های دینی اسماعیلیه (دروزیان) و نزاریان با صلیبی‌ها و موقعیت و عملکرد آنها در این زمان، نقش شهرهای سواحل شام در توسعه مناسبات تجاری با تجار خارجی، فرقه‌های نظامی صلیبی سواران معبد و سواران مهمان‌نواز و روابط آنها با اسماعیلیان، توصیف زلزله‌هایی که در سرزمین شام و بیت المقدس همزمان با حکومت صلیبی‌ها رخ داد و پیامدهای ویرانگر آن، جمعیت شهرها و... قابل توجه است.

عزرا حدّاد مترجم سفرنامه (از عبری به عربی) در مقدمه تحقیقی خود به استناد پژوهش گراتز آغاز سفر را بعد از ۵۶۱ق/۱۱۶۵م، دانسته است.

این ترجمه که پیش روی تاریخ‌پژوهان است، از ترجمه عزرا حدّاد صورت گرفته است. گفتنی است در سال ۱۳۸۰ش چاپی از این کتاب به زبان فارسی منتشر شد که بنا به اظهارات مترجم محترم ترجمه‌ای از متن آلمانی و مقابله‌شده با متن انگلیسی است، اما متأسفانه پر از اشکال و با عباراتی بعضاً نارساست. به همین دلیل لازم دیدیم تا از تنها منبع عبری معاصر جنگ صلیبی، ترجمه دیگری در اختیار خوانندگان محترم قرار بگیرد.

توصیف سرزمین مقدس که با نام اصلی "Tractatus de Distantus Locorum Terrae Sanctae" به زبان لاتین نوشته شده، عنوان سفرنامه‌ای است به فلسطین و شامات و منسوب به فردی به نام فیتیلوس که در اوایل عصر حاکمیت صلیبی‌ها در شرق مدیترانه می‌زیسته تدوین شده است. نویسنده که ظاهراً در اواخر قرن دوازدهم میلادی، رئیس خادمان کلیسای انطاکیه بوده، سفر خود را در نیمه اول این قرن ترتیب داده است، اهمیت این کتاب در این است که اولاً، در نخستین روزگار حکومت لاتینی‌ها در مشرق‌زمین تألیف شده، ثانیاً، گزارش‌های مفید و خواندنی از روابط دولت صلیبی بیت‌المقدس با همسایگان مسلمان خود مخصوصاً اتابکان دمشق و وضعیت جغرافیایی منطقه ارائه می‌دهد.

نویسنده بیشتر درصدد به تصویر کشیدن جغرافیای منطقه است، تا کتاب راهنمای کسانی باشد که به سرزمین مقدس می‌آیند، اما گزارش مبسوط او از دیرها و کلیساها و نیز شهرهای ساحلی شام در زمان تسلط صلیبی‌ها مهم می‌نماید. او دریای مدیترانه را در این دوره دریای مسیحیان می‌نامد. گزارش مبسوط او از سواران یا شوالیه‌های معبد و نیز تلاش و نشاط تجاری در شهرهای ساحلی و داخلی از نکات خواندنی این سفرنامه است.

عبدالله ناصری طاهری (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء)

بهار ۱۴۰۰

الاعتبار

أسامة بن منقذ

ترجمه: بهادر قیّم

فهرست تفصیلی

۲۹	فصل اول: جنگ‌ها و سفرها.....
۲۹	نبرد قنسرین.....
۳۰	محاصره شیزر (۵۳۲ق).....
۳۱	اُسامه در دمشق.....
۳۲	اُسامه در مصر.....
۳۲	شورش در سپاه فاطمی مصر (۵۳۹ق).....
۳۳	خروج ابن سَلار بر الظافر.....
۳۵	شکست ابن مصل.....
۳۵	حیله‌گری خلیفه الظافر نسبت به وزیر جدید.....
۳۶	اُسامه یک زنگی را نجات می‌دهد.....
۳۶	جاعل امضا، گردن زده می‌شود.....
۳۶	اسامه در یک مأموریت جنگی به سوی نورالدین.....
۳۹	هوشیاری یک راهنما.....
۳۹	خورجین مال و دارایی از دست نرفت.....
۴۰	دیدار با نورالدین.....
۴۱	شکاف کوه که در مسجد رقیم بود.....
۴۲	نبردی با فرانک‌ها (صلیبی‌ها) در عسقلان.....
۴۳	نبردی دیگر در بیت جبریل.....
۴۳	هجوم به شهر یبنی.....
۴۴	کشته شدن برادر اُسامه.....
۴۴	ترور ابن سَلار.....
۴۵	عباس بر منصب وزارت.....
۴۵	خلیفه ابن عباس را علیه پدرش تحریک می‌کند.....
۴۶	وزیر، خلیفه را به قتل می‌رساند.....
۴۷	بیعت با فرزند الظافر.....
۴۷	تمهید علیه خانواده خلیفه.....
۴۷	دربانی که از ترس می‌میرد.....
۴۸	عباس به قلع و قمع انقلاب می‌پردازد.....
۴۹	عباس به شام می‌گریزد.....
۵۰	توطئه بر ضد عباس.....
۵۱	اُسامه زخمی است.....
۵۲	صلیبی‌ها عباس را به قتل رساندند.....
۵۲	خطرات موجود در وادی موسی.....
۵۳	حکایت زین اسبه.....

- ۵۴ عدم عبرت‌گیری از سرگذشت شکست رضوان
- ۵۵ مأموریت سیاسی اُسامه به سوی رضوان
- ۵۶ رضوان در زندان مصر
- ۵۷ قتل رضوان به دست نگاهبانان فاطمی
- ۵۸ مجروحی که با زدن رگش نجات می‌یابد
- ۵۸ زیارت اُسامه از دمشق برای دومین بار
- ۵۹ خانواده اُسامه در دست صلیبی‌ها
- ۶۰ جنگ‌هایی با فرانک‌ها و مسلمانان
- ۶۰ سربلندی دلاور: جُمعه
- ۶۱ نبرد صدر اسلام
- ۶۲ بهبود مطعون ابن‌زمام از ضربه نیزه
- ۶۴ اولین جنگی که اُسامه حاضر شد (۵۱۳ق)
- ۶۶ بعد از قطع شدن سرخرگ قلبش، سالم می‌ماند
- ۶۶ دیگری از سوزنی می‌میرد
- ۶۷ حوادث زَمَزَم‌کل یکی از دزدان مسلمان
- ۶۹ دزدی اسب‌ها
- ۶۹ اتابک به اسب اُسامه دست یافت
- ۷۰ تیری در گلو
- ۷۰ تیری بر اسب
- ۷۱ تیری در بازو
- ۷۲ ضربه نیزه‌ای که چند استخوان قفسه سینه را می‌بُرد
- ۷۲ ضربه دیگر، باعث پارگی زره می‌شود
- ۷۳ ضربه سوم فرورفته در سینه صلیبی
- ۷۴ ضربه‌ای که جان دو سوار و اسب را گرفت
- ۷۵ پدر اُسامه یک جنگجو است
- ۷۶ پدر اُسامه قرآن استنساخ می‌کرد
- ۷۶ غلامی که خود را فدای آقايش می‌کند
- ۷۸ زخمی که بر پلک چشم عموی اُسامه وارد شد
- ۷۸ شجاعت عمو و پدر اُسامه
- ۷۹ نیرنگ فرانک‌ها نسبت به شیزر
- ۸۰ اُسامه و جُمعه به تنهایی، بر هشت شوالیه غلبه می‌کنند
- ۸۱ مردکی اُسامه و جُمعه را شکست می‌دهد
- ۸۱ درمان به واسطه بیماری و معلولیت
- ۸۲ رهایی پسرعموی اُسامه از دست فرانک‌ها
- ۸۲ ضربه چاقو، باعث شفای بیمار استسقاء شد

۸۳	خاری که چشم باز را شفا داد.....
۸۴	شکست در برابر فرانک‌های انطاکیه.....
۸۵	جمعه فرار می‌کند.....
۸۶	اُسامه به اشتباه ضربه به دوستش زد.....
۸۶	جمعه اسیری را آزاد می‌کند.....
۸۷	جایگاه سوار نزد صلیبی‌ها.....
۸۸	امان دادن تانکرد، هیچ ارزشی ندارد.....
۹۰	یک شوالیه صلیبی، چهار مسلمان را شکست می‌دهد.....
۹۱	و دیگری بر سپاه حمله می‌برد.....
۹۲	یک شخص بر هشت نفر می‌تازد.....
۹۳	یک صلیبی بر غار مسلط می‌شود.....
۹۴	عموی اُسامه، زن اسیر را آزاد می‌کند.....
۹۴	زیرکی دختر ترک.....
۹۵	ماجرای جوی‌های دیگر.....
۹۸	لؤلؤ حيله‌گر.....
۹۹	نمیر بر غاری در اختیار فرانک‌ها چیره می‌شود.....
۹۹	یک نفر، گروهی را در رینه منهزم می‌کند.....
۱۰۰	ابن المرجی قلعه تسخیر می‌کند.....
۱۰۰	مروت و شهامت مسیحی اجازه‌دهنده چهارپا.....
۱۰۱	وفاداری یک انسان بدوی.....
۱۰۲	اُسامه فدیّه اسیران را می‌پردازد.....
۱۰۴	از شگفتی‌های سلامت و نجات در شهر آمد.....
۱۰۵	نجات یافتن از کام شیر.....
۱۰۶	تدبیر و جنگ.....
۱۰۷	هوشیاری موقع گرفتاری در دهان شیر.....
۱۰۸	عموی اُسامه و حسن تدبیر در اداره امور.....
۱۰۸	عقل و تدبیر حاکم دیار بکر.....
۱۰۹	سیاست خوب حاکم بدلیس.....
۱۱۰	حسن تدبیر حاکم قلعه جعبر.....
۱۱۱	قدرت ابن سرایا سودی نداشت.....
۱۱۲	اُسامه پسرعمویش را نجات می‌دهد.....
۱۱۲	زاهدی که خداوند او را نجات داد.....
۱۱۳	بیگانه‌ای، اسیری را آزاد می‌کند.....
۱۱۳	فرشته‌ای که به کمک اُسامه شتافت.....
۱۱۴	پیامبر ﷺ یک زندانی را از بندرها می‌کند.....

- ۱۱۵ نبرد فقیه و زاهد برای وصول به بهشت.
- ۱۱۵ شخصی گُرد به خاطر لطفی که در حقش شده نبرد می کند.
- ۱۱۷ اسبی مقاوم و صبور در میان اسب ها.
- ۱۱۸ نمونه ای از اسب های سست و ضعیف.
- ۱۱۹ اسبی با روده های بیرون زده می جنگد.
- ۱۱۹ اُسامه در آمادگی دائم برای نبرد.
- ۱۲۰ عموی اُسامه، تیزذهنی او را می ستجد.
- ۱۲۱ تربیت خانوادگی اُسامه.
- ۱۲۳ یک ترکمن با یک زخم سطحی می میرد.
- ۱۲۳ آسیابانی که با نیش زنبور می میرد.
- ۱۲۴ یک شیر، غلامی را گرفته و هلاک می کند.
- ۱۲۴ اُسامه و شیر.
- ۱۲۵ شیری که از گوسفند می گریزد.
- ۱۲۵ سگی که صاحبش را از دهان شیر نجات داد.
- ۱۲۶ شیر سرور حیوانات است.
- ۱۲۶ قاتل شیر، به وسیله عقرب هلاک می شود.
- ۱۲۷ ویژگی های شیر بر مبنای آموخته های اُسامه.
- ۱۲۷ نبرد با پلنگ.
- ۱۲۹ فرق پلنگ یا یوزپلنگ.
- ۱۳۰ حمله به شیر با منجنیق.
- ۱۳۱ پیش آمدن فرانک ها به سوی دمشق.
- ۱۳۲ مرد گُرد، سر برادرش را حمل می کند.
- ۱۳۳ شکاف سر یک نزاری (اسماعیلی) با شمشیر.
- ۱۳۳ ضربه ای دیگر کفش و آرنج دست را قطع کرد.
- ۱۳۴ دو ضربه، دو شخص را هلاک نمود.
- ۱۳۵ پهلوانی زنان.
- ۱۳۵ بالدوین به تعقیب راجر در انطاکیه می رود.
- ۱۳۵ طغتنکین سر رابرت را قطع می کند.
- ۱۳۶ بالدوین عموی اُسامه را از پرداخت مقرر معاف می کند.
- ۱۳۷ بالدوین از حکومت انطاکیه به نفع ابن میمون (بوهموند)، کنار می رود.
- ۱۳۷ ابن میمون (بوهموند) بر شیرز هجوم می آورد.
- ۱۳۸ داستان بُریکه.
- ۱۳۹ زنی که در شیرز می جنگد.
- ۱۳۹ مادر اُسامه در میدان نبرد.
- ۱۴۰ پیرزنی شمشیر می زند.